



پیام‌های خود را به پست الکترونیکی ضمیمه نوجوان به نشانی زیر ارسال کنید.

info@jamejamdaily.ir



شماره پیامک ۳۰۰۰۱۲۲۳
نیز راه ارتباطی دیگر ما بشماست

اسامی شهروندان مقیم در جزیره نوجوان به ترتیب تاریخ ورود به جزیره و صدور ویزای شهروندی:

حسین شکیب‌زاده، زهرا قربانی، محمدصادق امانی، سپهر جمعه‌زاده، محمد لوری، عطیه ضرابی، امیرحسین علی‌نیا، فاطمه کریمی، زینب احمدزاده، عماد مختاری، فاطمه رحیمی، امیرعلی حبیبی، مینو آقایی‌نژاد، معین‌الدین هاشمی، سمیه قاسمی، مریم امام، محمد طائب، ایمان خاقانی، شهروند در تبعید امین محمد احدی، باتشکر از گروه امداد جزیره حسام نوری نجفی، یاشار حسین زاده و محمدصادق باطنی.



طرح: غزل باورپیان

به غار تنهایی عقل کل خوش آمدید

هر چیزی دیگران می‌گویند نرو.

@ خانم یا آقای از ساری ایمیل زند و پرسیدند که چرا به ما نوجوان‌ها اهمیت نمی‌دهند.

سه دلیل به ذهن حقیر می‌رسد (این کلمه حقیر که گفتم نشان دهنده این است که من آدم متواضع الاضلاع هستم) ۱- دلیل اول

۲- چون به بیان یکی از مقامات مسؤول، هنوز آن شدت و حدت لازم و مذاقه کافی و وافی در امور مستمسکه و حومه نوجوان به ضرس قاطع نرسیده است.

۳- من خودم تازه صبح جمعه فهمیدم آنها مهم هستند! نکته: شاید هم چون اضلاع و جودشان متواضع نیست! ضمناً می‌توانید به صفحه ۳، تیتر (تقویم بدون نوجوان) مراجعه کنید.

سمیه ۱۸ ساله که نوشته از کجا پیامک فرستاده؟ پرسیده: چرا هر کسی من رو می‌بیند بهم میگه نرو؟ نسخه من به شرح زیر است:

الف) این که چیزی نیست، خوب بود؟ جای دنیا ۱۷ ساله بودی که همه به او می‌گویند: وایسا دنیا من می‌خوام پیاده شم، ب) تو که آخرش چراغ خاموش داری می‌ری، دیگه ادا حال بدارو در نیار، ج) خدا پدر آموزش آنلاین را بیامرز که بچه‌های شش هفت ساله هم، همه خاله‌ها و عموهای بین‌المللی را می‌شناسند، د) اینم یادت باشه همین نرو نرو گفتناشون به عده رو از خواب بیدار کرد. ولی باز اگر می‌خواهی برو، فقط الکی دنبال

به تازگی نوجوانه یار جدیدی پیدا کرده است به نام «عقل کل» که از همه چیز و همه کس مطلع است. شما می‌توانید سوالات خودتان را از طریق تماس تلفنی، پیامک، ایمیل، کبوتر نامه‌بر، چاپار و تاکسی تلفنی به ما برسانید تا از او بپرسیم و جواب‌های کاملاً قانع‌کننده بگیریم.

دوستان صفحه یکی مثل ما لطف فرموده و سوالی را در پاسخ صفحه ما نموده‌اند، ماندگار، گرچه این را بعداً عرض خواهم کرد که پاسخ صفحه ما کجای صفحه می‌تواند باشد. اما گویا محمد مدینه‌ای ۱۶ ساله از تهران که مهمان نوجوانه بوده، مهم‌ترین سوال ذهنی خودش را این‌گونه مطرح کرده که چطور می‌توانم برای جهان مفید باشم؟

چهار توصیه در این خصوص دارم: ۱- منزلی آجر به آجر از طلا در گوشه‌ای از دنیا (ترجیحا کالیفرنیا یا جنوبی) پیدا کن و در حالی که روی مبل طلادوز خود لم داده‌ای حرف‌های انگیزشی بزن. داشتن ریش بلند، ناخن دراز، هیکل نازوا واه واه هم بی‌تاثیر نیست، ۲- ده جلد کتاب کمک درسی جامع کاربردی از شیر تا گراز برای درس سلامت و بهداشت بنویس و بسوزان! ۳- هیچ کاری نکن ۴- اگر نمی‌توانی هیچ‌کدام از کارهای فوق مخصوصاً گزینه ۳ را انجام دهی، ریاست سازمان مدیریت بحران را بر عهده بگیر و هی غافلگیر شو!

دوستی از جایی که نمی‌خواستند اعلام شود در پاکتی مهر و موم شده و کاملاً محرمانه پرسیدند چرا نتیجه انتخابات آمریکا باید در زندگی ما آن هم بعد از گذشت چند ماه باز هم اثرگذار باشد؟ سوال بسیار خوبی پرسیده‌اند که ما هم جواب آن را به صورت کاملاً محرمانه برای ایشان خواهیم فرستاد.

سهراب ۱۶ ساله از شهریار برایمان نامه فرستاده که خودش جای تعجب دارد در این دنیای ارتباطات، اما سوال مهمی پرسیده که چرا پدر و مادر همیشه برزوه ۱۶ ساله از شهریار (پسر خاله ام) را در سر من می‌کوبند؟

قطعا از این چهار حالت خارج نیست: حالت اول: شاید مادران تهمینه، گرز پدرتان رستم را سال‌هاست گم کرده و تنها وسیله محکم در اطراف دستشان برزوه است. حالت دوم: شاید شما را با گوشت کوبیده اشتباه گرفتند. (مطمئنم طنز موجود در این جواب ذهن شما را هم درگیر کرده است و نبوغ من دارد اذیت‌تان می‌کند.) حالت سوم: ما که قطعاً ذات این حرکت قبیح را نمی‌توانیم رفع و حذف کنیم؛ زیرا از سر دلسوزی دارد اجرا می‌شود اما می‌توانیم خود برزوه را برایتان حذف کنیم، عکس بدهید سر بریده‌اش را تحویل بگیرید. حالت چهارم: دیگر حالت‌های ممکن.

مسابقه

ما که می‌دونیم شما عمراً یکم تا سیزدهم فروردین رو بکوب نمی‌شینین تو خونه، حالا امیدواریم مسافرت نرید توی این اوضاع کرونایی ولی خب احتمالاً سر و کله هممون به جایی برای گردش و استراحت پیدا میشه بالاخره.

پس به مسابقه واستون داریم. کافیه با شماره آخر نوجوانه به عکس مخاطب بپسند بگیرین و از طریق پیج یا #نوجوانه به دست ما برسونین. بهترین عکس‌ها توی شماره بعدی نوجوانه چاپ میشه.



عکس بی‌قاب

شماره قبل نوجوانه، این عکس را برایتان گذاشتیم و از شما خواستیم هر چه به ذهنتان می‌رسد برای ما بنویسید و پیامک کنید. این هم نتیجه زحمت و ذوق شما.



مرا زخم نشد، جوانه شد. **مانده راجی از تهران:** از دل زخم هایت ریشه بزن و بلند شو و بدان که همین زخم‌ها، تو را زیباتر از قبل خواهد کرد. **مریم شاه‌پسندی از تهران:** و من از دل ترس‌هایم، رشد خواهم کرد. **فاطمه زهرا سبحانی از تهران:** بعضی وقت‌ها برای رشد کردن و جوانه زدن باید از بین تیغ و تبر بگذری. **مهسا ابراهیمی از خمینی‌شهر اصفهان:** تبر گاهی می‌شکند تا زندگی ببخشد و گاهی تیز و برنده نفسی را می‌برد. **عقل کل:** تبر بزن! که زخم‌هایمان راه عبور نور به درون ماست.

آراد فتحی‌زاده از کشور انگلیس: حتی در دل روزهای سخت هم تلاش کن. جوانه بزن، شروع کن، بکوش و اراده کن به سبز شدن. **فاطمه رحیمی از تهران:** از تیشه‌ها ریشه بده. **بیبا متین کیا از تهران:** وقتی ظلم و خشم را زمین گذاشتی، زندگی جوانه می‌زند. **سید امیرحسین امامی از تهران:** خودمان قاتل خودمان نباشیم؛ نهال امروز، چوب تبر فرداست. **راضیه گلزاری خمینی‌شهر اصفهان:** تا عزم جوانه زدن را نداشته باشی هیچ‌گاه رشد نخواهی کرد. **فرناز شمس‌کیا از اصفهان:** هر چه تبر زدی

